

تحلیلی بر نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه روستایی

سروش فتحی^۱

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گروه علوم اجتماعی، گرمسار، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۳/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۵

چکیده

با توجه به اینکه سرمایه اجتماعی یکی از شاخص‌های توسعه پایدار محسوب می‌شود، و می‌توان به پشتوانه سرمایه اجتماعی و ارتقاء آن بسیاری از نیازهای جامعه و روابط انسانی را برطرف نموده و حرکت آن را به سوی توسعه پایدار مهیا ساخت. همچنین در بحث توسعه پایدار بر انسان، نیازهای انسانی و روابط انسانی به عنوان سرمایه اجتماعی تاکید می‌شود در نتیجه هدف از مقاله حاضر بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه روستایی می‌باشد. که با روش اسنادی و پیمایشی مطالعه شده است و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه و فیش می‌باشد. بررسی داده‌های کیفی و کمی با آزمون پیرسون نشان داد بین مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی و در مجموع سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج بدست آمده نشان داد با برنامه‌ریزی در جهت افزایش ابعاد سرمایه اجتماعی، ارتقای سطح مشارکت، اعتماد و انسجام اجتماعی در بین روستائیان باعث افزایش سطح آگاهی و آموزش عمومی، بهبود بهداشت و سلامت، کاهش فقر و افزایش فرصت اقتصادی و سلامت محیط زیست و... فراهم نموده و بستر توسعه روستایی را فراهم نموده و گامی موثر در جهت پایداری توسعه روستایی می‌انجامد.

کلید واژه‌ها: سرمایه اجتماعی، توسعه، روستا، توسعه روستایی

^۱ سروش فتحی (نویسنده مسئول) sfathi@iau-garmsar.ac.ir

مقدمه

توسعه روستایی به عنوان یک فرایند تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در محیط روستا، شامل بهبود بازدهی و افزایش اشتغال و درآمد روستاییان، تأمین حداقل قابل قبول سطح تغذیه، مسکن، آموزش و پرورش و بهداشت می باشد. اگر چه روستا و زندگی روستایی با فعالیت‌های کشاورزی عجین شده و کشاورزی نقش اصلی را در فعالیت‌های توسعه روستایی دارد اما در سه دهه گذشته نقش فعالیت‌های اشتغال زا موسوم به فعالیت‌های خارج از مزرعه به عنوان فرصت‌های تکمیلی اشتغال تولید و افزایش درآمد خانوارهای روستایی مورد توجه سیاست گذاران و برنامه ریزان توسعه قرار گرفته است (فتیحی و مطلق، ۱۳۸۹).

بدین منظور توجه به نیازهای واقعی روستائیان و تبیین اولویت این نیازها از طریق مشاهده با آنها، حرکت در مسیر توسعه درون‌زا و داشتن جامعه‌ای سالم و مستقل را شتاب بیشتری می بخشد (توسن، ۱۹۸۵ ص ۸۹). همانقدر که کارخانه‌ها، معادن و دیگر سرمایه‌های مادی بخشی از ثروت ملت‌ها شمرده می شوند، سرمایه اجتماعی نیز با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی اش ثروت محسوب می شود. سرمایه اجتماعی اگر چه مفهومی نوین و نوپا در عرصه مطالعات اجتماعی است اما این مفهوم ریشه در روابط اجتماعی نوع بشر دارد و امروزه این امر مسلم است که رسیدن به توسعه جامعه مدنی، معیارهای جهان‌شمول و بستر مناسب برای زیست اجتماعی تنها با وجود سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد.

بانک جهانی که بخش وسیعی از فعالیت خود را به بررسی و مطالعات توسعه ای در کشورهای توسعه نیافته متمرکز نموده است، قسمت مجزایی را به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه کشورها اختصاص داده است و در بحث‌های نظری، سنجشی و تاثیر گذاری سرمایه اجتماعی، طرح‌ها و مطالعات فراوانی انجام داده است. و از جمله مطالعات مد نظر آنها، تعریف و بومی بحث سرمایه اجتماعی، عملیاتی نمودن این مفهوم در کشورهای گوناگون و راه کارهای افزایش و ارتقاء آن در جهت توسعه، می باشد (فیروزآبادی، ۱۳۸۴).

مسئله توسعه نیزمانند دیگر مسائل اجتماعی، امری کامل و جامع است که نیازمند مشارکت همه جانبه مردم در سیاست‌گذاری، برنامه ریزی، اجرا و ارزشیابی کلیه برنامه‌های توسعه ای می باشد که این امر از اصول مسلم مدیریتی محسوب شده و بر ساختاریافتگی و نظام‌مندی آن تأکید دارد، بنابراین تقویت نقش و جایگاه نهادهای مدنی نیز در این چارچوب اهمیت ویژه ای می یابد. در حال حاضر، سازمان‌های غیر دولتی به عنوان نهادها و موسساتی کارآمد و مکمل بخش دولتی در تامین اهداف توسعه جایگاه ویژه ای یافته اند. این سازمان‌ها به عنوان بازیگران مهمی برای پر کردن شکاف‌های اجتماعی ناشی از ارائه خدمات اجتماعی دولت‌ها هستند (آریان پور، ۱۳۸۷).

سرمایه اجتماعی در شکل اولیه اش ابتدا توسط جاکويز، بورديو، پاسرون و لوری مطرح می شود، اما توسط کسانی چون کلمن، بارت، پانتام و پرتز بسط و گسترش داده می شود. (ازکیا و غفاری؛ ۱۳۸۳، ص ۲۷۸). همانطور که قبلاً هم گفته شد کاربرد مفهوم سرمایه اجتماعی بصورت آنچه که امروزه مدنظر است به تدریج در دهه ۱۹۹۰ رایج شده است اما این به معنای این نیست که در آثار جامعه شناسان کلاسیک اثری از این مفهوم نباشد، در آثار اندیشمندان و جامعه شناسانی چون مارکس و وبر و دورکیم می توان به جستجوی این مفهوم پرداخت و در اندیشمندانی چون

مارکس، زمیل دورکیم، وبر و پارسونز به مفاهیمی همچون اضطراب، نفع جمعی، ارزشها و اعتماد اجتماعی توجه شده که هر یک ابعادی از مفهوم سرمایه اجتماعی را در بر می گیرد. (توسلی، ۱۳۸۴، ص ۳).

در واقع دغدغه تنزل روابط اجتماعی از جمله موضوعاتی است که به کرات در جامعه شناسی کلاسیک و معاصر به چشم می خورد. شاید بتوان به تعبیری گفت که تولد جامعه شناسی معلول نگرانی مربوط به روند رو به تنزل روابط اجتماعی در نتیجه صنعتی شدن و آغاز مدرنیته بوده است. جامعه شناسان اولیه درباره انتقال از گمان شافت به گزل شافت (تونس، ۱۸۸۷) و یا در مورد تاثیر زندگی شهری بر حیات انسانی (زیمل ۱۹۰۳) نظرات فراوانی ابراز داشته اند. به نظر زیمل فرایندهایی نظیر تقسیم کار فزاینده، عقلانیت مفرط، سلطه روز افزون و... سبب پیدایش دلزدگی و احتیاط در روابط اجتماعی موجود در کلان شهر شده است. به موازات افزایش افراد، روابط چهره به چهره کارکرد خود را از دست داده و جای خود را به نوع دیگری از روابط می دهند. به اعتقاد زیمل، نتیجه چنین شرایطی؛ ناپایداری روابط و کاهش اعتماد اجتماعی است (شارع پور، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

یکی دیگر از پیامدهای تنزل روابط اجتماعی به خطر افتادن تولید کالاهای عمومی است؛ منظور از کالاهای عمومی منابعی است که تمامی اعضای جامعه می توانند از آنها بصورت رایگان استفاده کنند. مثل، حکومت دموکراتیک، امنیت اجتماعی، کمکهای اقتصادی و اطلاعات. پس زندگی جمعی و پیوندهای فعال و پویامیان اعضای اجتماعی می تواند موجبات رفاه و خوشبختی جامعه را فراهم نماید که این پیوندها را با عنوان سرمایه اجتماعی می شناسند؛ سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و شبکه های تعاملی که می تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ؛ کارائی گروه رادر دستیابی به برخی اهداف خود بهبود بخشد. نقش چشمگیر سرمایه اجتماعی و نحوه حضور آن در زندگی کنشگران اجتماعی بعنوان راه حلی برای مشکل تولید کالاهای عمومی، توجه بسیاری از جامعه شناسان از جمله جیمز کلمن، پییر بوردیو، راپرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما را به خود جلب کرده است (شارع پور، ۱۳۷۹، صص ۱۶-۱۵).

باتوجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی-اجتماعی جامعه، نبود یا ضعف آن را در جامعه باید یک مساله مهم دانست. چرا که در این حالت همکاری داوطلبانه به حداقل ممکن می رسد. در روابط مبتنی بر زور و اجبار، بالاخره تضمین های اجبار آمیز تمام خواهند شد و جمعی که متکی به کاربرد زور هستند، نسبت به جوامعی که در آنها اعتماد بر دیگر وسایل برتری دارد، ناکارآمدتر، پرهزینه تر و ناراضی تر خواهند بود، ولی همکاری داوطلبانه در جامعه ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای کنش متقابل و شبکه های مشارکتی مدنی به ارث برده، بهتر صورت می گیرد. (همان، ۱۶).

سرمایه اجتماعی مانند سایر سرمایه ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخصی را فراهم می کند که بدون آن غیر قابل دسترس خواهد بود. به تعبیر دیگر به واسطه سرمایه اجتماعی است که همکاری های ارادی و آگاهانه در یک جامعه تسهیل می شود و نبود آن در جامعه به معنی انجام نشدن این نوع خاص از همکاری هاست که در پیچه رسیدن به توسعه را می بندد (همان، ۱۷).

هدف

هدف از این پژوهش تحلیل نظری و واکاوی نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه روستایی می باشد

ادبیات موضوع

پژوهش‌های زیادی به رابطه میان سرمایه اجتماعی و پیامدهای مثبت در حوزه‌ها و سطوح گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی توجه کرده‌اند. برای نمونه تحقیقات نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی با کارایی نهادی، افزایش سطح آموزش و رفاه کودکان، کاهش جنایت‌های خشن، کاهش نزاع و درگیری، برتری اقتصادی افراد، کاهش مرگ و میر، بهبود وضع سلامت، اساس خوشبختی و اعتماد به حکومت و شکل‌گیری تشکل‌های بهره‌بردار از زمین به صورت موفق و کارا رابطه مستقیم دارد (Brehm, 2006, Firouzabadi, 1997, Putnam, 2000). از سوی دیگر سرمایه اجتماعی با حاکمیت خوب و کارایی اقتصادی نیز رابطه مستقیمی دارد (Offe, 2002). همچنین سرمایه اجتماعی با تندرستی (وینسترا، ۱۳۸۴) موفقیت پروژه‌های عمرانی (مرنیسی، ۱۳۸۴) و توسعه زمین مشترک و پتانسیل کنش جمعی در روستا (Krishna, 2002)، توسعه اقتصادی کشور (Loh, 2003)، تسهیل موفقیت کنش (Kerry, 2003)، توسعه محلی و ملی (Gerew, 2003)، کاهش مرگ و میر نوزادان و افزایش امید به زندگی (Hyatt, 2003)، مشارکت مدنی و اجتماعی (Loflin, 2003) و همچنین رشد درآمد کشورها (Knack, 2002) رابطه مستقیم دارد. رابرت پاتنام (۱۳۸۰) را می‌توان از پیشگامانی دانست که به رابطه میان توسعه منطقه‌ای و سرمایه اجتماعی توجه کرده است. او در مطالعه خود درباره مناطق کشور ایتالیا دریافت سرمایه اجتماعی می‌تواند اختلافات مناطق را از نظر توسعه اقتصادی و «عملکرد حکومتی» توضیح دهد. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی به معنای ویژگی‌های سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند کارایی جامعه را با تسهیل کنش‌های هماهنگ بهبود بخشد. در حوزه مطالعات شهری نیز پاراگال، گلیگان و هوک (Grootaert, 2002, pp188-220) تاثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت مردم محله را در مدیریت جمع‌آوری ضایعات در مناطق مختلف شهر داکای بنگلادش بررسی کردند. آن‌ها بحث خود را با این دو پرسش محوری آغاز می‌کنند. که چرا برخی از جوامع سازماندهی بهتری برای تولید کالای عمومی دارند و کدام ویژگی‌های اجتماعی سبب تعامل و همکاری در بین همسایگان می‌شود؟ آن‌ها مشاهده کردند در برخی محلات شهر که جمع‌آوری به درستی صورت نمی‌گیرد، در آن ساکنان محلی با تشکیل گروهی داوطلب با بخش خصوصی برای جمع‌آوری زباله قرار داد بسته‌اند و نتایج موفقیت آمیزی را کسب کرده‌اند. در پاسخ به این پرسش که «چرا برخی محلات به این موفقیت دست یافته‌اند و محلات دیگر فاقد چنین اقدامات داوطلبانه و منافع ناشی از آن بوده‌اند؟» آن‌ها علت اصلی را سرمایه اجتماعی افراد این محلات می‌دانند، سرمایه‌ای که ناشی از تعاملات و نهادهای سنتی یا مرسوم، میراث و زمینه ارزشی، قومی یا دینی مشترک است (فدوی، ۱۳۸۶).

این مرور نشان می‌دهد که می‌توان از مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مهم برای تبیین تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی میان سطوح فضایی مختلف، استفاده کرد. انتخاب سطح تحلیل بستگی به موضوعی دارد که محقق انتخاب کرده است. این سطح می‌تواند شامل کشور، منطقه، شهر یا مناطق شهری باشد. توجه به رابطه میان سرمایه اجتماعی و سطوح تحلیل گوناگون در حال افزایش است بحثی را که آیر و همکاران (Iyer, 2005) و پاتنام (Putnam, 1993) با بررسی علل توسعه متفاوت میان مناطق مختلف ایتالیا در سال ۱۹۹۳ آغاز کردند، ابعاد جدیدی یافته است (نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷).

«ساباتینی» (۲۰۰۷) با انجام تحقیقات مختلف در زمینه‌ی رابطه‌ی میان سرمایه‌ی اجتماعی و توسعه‌ی اقتصادی در ایتالیا، این ادعای پاتنام، مبنی بر تأثیر مثبت سازمان‌های جامعه‌ی مدنی بر فرآیند توسعه‌ی اقتصادی را به بوته‌ی آزمایش می‌گذارد و بر این باور است که کیفیت توسعه^۲ به طور معنی‌دار و مثبتی با سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی، همبستگی دارد و میان کیفیت توسعه و پیوندهای قوی خانوادگی یا سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، همبستگی منفی وجود دارد. وی معتقد است هم‌چنان که افزایش در سرمایه‌ی فیزیکی، میانگین هزینه‌ی تولید را کاهش می‌دهد، افزایش در روابط مبتنی بر اعتماد یا سرمایه‌ی اجتماعی نیز به کاهش میانگین هزینه‌ی تعامل اجتماعی می‌انجامد. با این تفاوت، برخی از انواع سرمایه‌ی اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی این نتیجه را در بر ندارند و می‌توانند در مسیری متضاد با کاهش هزینه‌ها عمل نمایند. وی به طور مشخص در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی که به تخریب پیوندهای میان گروه‌های مختلف منجر می‌شود، تأثیر منفی بر توسعه‌ی انسانی و عملکرد اقتصادی دارد (فدوی، ۱۳۸۶).

ساباتینی (۲۰۰۸) همچنین اظهار می‌دارد ویژگی درون‌گروهی سرمایه‌ی اجتماعی، به طور ضمنی در بردارنده‌ی نوعی بار منفی است و در یک معنای کلی به گروه‌های کوچک و جمعیتی همگون ارجاع داده می‌شود که حاضر نیستند با گروه‌های بیگانه و خارج از مرزهای خود، همکاری و ارتباط داشته باشند. به زعم وی اکثر جامعه‌شناسان، خانواده را شکل بالقوه‌ی این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی قلمداد می‌کنند. «فرانکوئیس» نیز بر این باور است که «در جوامع خویشاوندی که دارای قومیت مشترک یا دیگر پیوندهای اجتماعی مشترک‌اند، اعتماد تا حدودی یافت می‌شود؛ اما تردید وجود دارد که آیا این اعتماد می‌تواند کارآیی لازم را برای تعاملات اقتصاد در تولید مدرن داشته باشد یا نه» (فرانکوئیس، ۱۳۸۶، ص ۹۷).

«لئونارد» (۲۰۰۴) ضمن انتقاد از پاتنام در مورد گذار از سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی به برون‌گروهی که آن را با تناقضاتی همراه می‌داند، با مقایسه دو منطقه‌ی متفاوت از بلفاست، معتقد است که سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی، کنش و انتخاب‌های فرد را محدود و منافع اقتصادی ویژه‌ای را برای اعضای یک گروه همگن و خاص ایجاد می‌کند و می‌تواند فواید اقتصادی بخشی، محدود و محلی داشته باشد. وی اظهار می‌دارد که این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان مانعی در برابر دسترسی افراد به منابع و اطلاعات دیگران و به فعلیت درآوردن استعدادها و توانایی‌های آحاد جامعه عمل می‌نماید و شعاع اعتماد را کاهش می‌دهد، لذا برای توسعه مناسب نیست. این نوع از سرمایه‌ی اجتماعی موجب می‌شود ارتباطات افراد در سطح خانواده و جامعه محصور شود و فردی موفق تلقی می‌گردد که در همان چارچوب تقاضا و نیاز خود را مطرح و برآورده سازد. وی به انتقاد از پاتنام می‌پردازد و با اشاره به تجربه‌ی بلفاست، بر این باور است که تغییر سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی به برون‌گروهی ممکن است بیش از آنکه به حال جامعه مفید باشد، برای فرد فایده داشته باشد و به تقویت نابرابری‌ها بیانجامد. لئونارد معتقد است که تضاد سیاسی وسیع و گسترده در ایرلند شمالی به گسترش سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی و رواج صلح به تقویت و توسعه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی برون‌گروهی انجامیده است (فدوی، ۱۳۸۶).

² Quality of development

تعریف مفاهیم

سرمایه

مفهوم سرمایه در دیدگاه مارکس، به معنی انباشت کار تلقی می‌شود. اما سرمایه در دیدگاه بورديو یک منبع کلی است که می‌تواند پولی یا غیر پولی یا در شکل‌های ملموس و غیر ملموس باشد (انهیروهمکاران، ۱۹۹۵، ص ۸۶۲). به طور کلی از نظر بورديو سرمایه هر نوع توانایی و مهارتی است که فرد بصورت انتسابی و اکتسابی بدست می‌آورد و از آن برای پیشبرد اهداف و موقعیت خود بهره می‌گیرد. بورديو چهار نوع سرمایه را از هم تفکیک می‌کند: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین (ترنر، ۱۹۹۸، ص ۵۱۲).

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی تراکمی از منابع بالفعل یا بالقوه است که فرد را با یک شبکه پایدار از روابط کم و بیش نهادینه شده، پیوند می‌دهد. بعبارتی، این نوع سرمایه شامل عضویت در گروه است و هر یک از اعضا، آن را تنها از طریق عضویت در گروه بدست می‌آورد. این سرمایه غیر قابل تقلیل به روابط عینی نزدیک در فضای فیزیکی (جغرافیایی) یا حتی فضای اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. همچنین حجم سرمایه اجتماعی هر عامل به اندازه شبکه پیوندهای عامل و به حجم سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و نمادین آن بستگی دارد. هر چند این سرمایه به راحتی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی و فرهنگی نیست. اما سرمایه ای است که هرگز کاملاً مستقل نبوده و ارتباط نزدیکی با سایر سرمایه‌ها دارد. بعلاوه، سود سرمایه گذاری در این نوع سرمایه بصورت مادی (مانند انواع خدماتی که فرد از روابطش کسب می‌کند) و بصورت نمادین (مانند یافتن یک دوست یا منزلت در گروه) می‌باشد. روابط اجتماعی، فقط به صورت عملی وجود دارند و مبادلات مادی و نمادین پایدار، به حفظ و تقویت آنان کمک می‌کنند. از طرفی وجود پیوندهای شبکه ای یک امر عادی و طبیعی نیست. چون شبکه روابط، از راهبردهای سرمایه گذاری فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه با هدف ایجاد یا باز تولید روابط اجتماعی کوتاه مدت یا بلندمدت ایجاد می‌شود، تا بتواند از سود و مزایای مادی و نمادین آن بهره مند شود (بورديو، ۱۹۸۶، ص ۲۴۹).

به نظر کلمن سرمایه اجتماعی ترکیبی از ساختارهای اجتماعی است که تسهیل کننده کنش‌های معینی از کنشگران در دوران این ساختارهاست. سرمایه اجتماعی مانند دیگر اشکال سرمایه داری مولد است بدون آن نیل به برخی از اهداف میسر نیست. به نظر او سرمایه اجتماعی منبعی برای کنش افراد است. برای مثال، گروهی از افراد که واقعا به یکدیگر اعتماد دارند در قیاس با گروهی که فاقد چنین اعتمادی در بین خود هستند از قوای همکاری بیشتری با یکدیگر برخوردارند. در یک اجتماعی روستایی یک کشاورز علوفه را از کشاورز دیگر می‌گیرد و ابزار و ادوات کشاورزی را به طور گسترده به یکدیگر فرض می‌دهند. سرمایه اجتماعی اجازه می‌دهد که هر کشاورز کارش را با حداقل سرمایه فیزیکی در قالب ابزار و تجهیزات لازم انجام دهد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸).

به تعبیر پتنام همکاری و تعاون داوطلبانه در جایی که ذخیره و انباشت اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد به آسانی صورت می‌گیرد.

سرمایه اجتماعی دلالت بر اشکالی از سازمان اجتماعی چون اعتماد، قواعد و شبکه‌ها دارد که می‌توانند کارایی جامعه را از طریق کنش‌های متناسب تسهیل کنند. در نتیجه تعاون خود انگیزه از طرق سرمایه اجتماعی تسهیل می‌شود (همان، ۲۷۸)..

سرمایه اجتماعی عنصری مطلوب برای انجام همکاری‌های درون گروهی است و هر چه میزان آن بالاتر باشد دستیابی گروه به اهداف خود با هزینه کمتری انجام می‌گیرد. اگر در گروهی به سبب نبود ویژگی‌هایی مانند اعتماد و هنجارهای مشوق مشارکت و سرمایه اجتماعی به اندازه کافی فراهم نباشد، هزینه‌های همکاری افزایش خواهد یافت و تحقق عملکرد، بستگی به برقراری نظام‌های نظارتی و کنترل بر هزینه پیدا خواهد کرد. در مقابل، وجود سرمایه اجتماعی به میزان کافی و مناسب، سبب برقراری انسجام اجتماعی و اعتماد متقابل شده و هزینه‌های تعاملات و همکاری‌های گروهی کاهش می‌یابد و در نتیجه عملکرد گروه بهبود می‌یابد. (شاه حسینی، ۱۳۸۲، صص ۴۱-۴۲).

به نظر پاکستون (۱۹۹۹)، سرمایه اجتماعی دو مولفه پیوستگی‌های عینی بین افراد بعنوان شبکه عینی که افراد را در یک فضای اجتماعی به یکدیگر پیوند می‌دهد و نوعی پیوند ذهنی که موجب شکل‌گیری روابط مبتنی بر اعتماد متقابل و روابط عاطفی مثبت اعضای جامعه نسبت به یکدیگر می‌شود را شامل می‌گردد. سرمایه اجتماعی نوعی انرژی بالقوه و تسهیل‌کننده کنش است که می‌تواند در سطوح مختلف ساختار اجتماعی، سطوح خرد، میانی و کلان مورد استفاده قرار گیرد. در اندیشه پاتنام و فوکویاما سرمایه اجتماعی بعنوان یک پدیده جامعه‌شناسی کلان لحاظ شده است. بنظر آنها ملت‌ها می‌توانند از سطوح متفاوتی از سرمایه اجتماعی برخوردار باشند که فرصت را برای تحقق دموکراسی یا صنعتی شدن آنها فراهم می‌سازد، در نهایت در شرایط وجود سرمایه اجتماعی شاهد بسط و گسترش فرایند مشارکت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، و نیز بسط انجمن‌های داوطلبانه خواهیم بود؛ فرایندی که می‌تواند ساز و کار موثری برای نیل به توسعه باشد (ازکیل و غفاری، ۱۳۸۲، ص ۲۷۹).

مولفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متعامل قرار گرفته و هر کدام تقویت‌کننده دیگری اند از مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند. این سه مولفه از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی هستند و همانطور که قبلاً گفته شد این مفاهیم از آغاز طرح مباحث جامعه‌شناختی، اندیشه بسیاری از جامعه‌شناسان کلاسیک را به خود معطوف داشته‌اند.

اعتماد اجتماعی^۳

اعتماد و لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است، اعتماد اجتماعی ایجادکننده تعاون و همیاری است و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت‌ها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شود. اعتماد اجتماعی برگرفته از عدالت- برابری و امنیت اجتماعی نیز زاینده آنها می‌باشد. آنتونی گیدنز، اعتماد و تاثیر آن بر فرایند توسعه را زیر بنا و زمینه ساز اصلی در جوامع مدرن می‌داند، هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد مشارکت و همیاری مردم در عرصه‌های اجتماعی بیشتر و آسیب‌های اجتماعی کمتر است (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۱۱).

³ social trust

ز تومکا که در میان جامعه شناسان معاصر مبحث اعتماد اجتماعی را مورد عنایت ویژه قرار داده؛ معتقد است که توجه به اعتماد اجتماعی ایده جدیدی نیست، بلکه یک جریان چند قرنی است.

بنظر او «برخورداری جامعه جدید از ویژگی‌های منحصر بفردی چون آینده گرایی، شدت وابستگی متقابل، گستردگی و تنوع جوامع، تزايد نقش‌ها و تمایز اجتماعی، بسط نظام انتخاب، پیچیدگی نهادها و افزایش ابهام، ناشناختگی و تقویت گمنامی، و غریبه بودن نسبت به محیط اجتماعی، توجه به اعتماد اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی شاهد رشد نوعی جهت گیری فرهنگ گرایانه که در خود نوعی چرخش از مفاهیم سخت به مفاهیم نرم را دارد. چنین چرخشی زمینه توجه عمیق تر به مفاهیم اعتماد را به دنبال داشته است و در طی دو دهه گذشته شاهد موج جدیدی از مباحث مربوط در مفاهیم علوم اجتماعی بویژه جامعه شناسی هستیم (از کیا و غفاری، ۱۳۸۲، ص ۲۸۰).

بی‌اعتمادی پدیده‌ای روان شناختی است که فرد اطمینان به خود را از دست می‌دهد و به ناتوانی خود اذعان دارد این روند از نقطه نظر کلان به بی‌اعتمادی در سطوح ملی می‌رسد، پدیده بی‌اعتمادی توان حرکت و خلاقیت را از خود می‌گیرد و او را به موجودی بی‌تحرك و خنثی تبدیل می‌کند، بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه و فراگیر شدن آن باعث بی‌اعتمادی افراد می‌شود. موجب سلب اعتماد افراد نسبت به همدیگر و مجموعه آنها نسبت به جامعه می‌شود و اتحاد و پیوستگی ملی به قیمت کسب امنیت فردی به خطر جدی می‌افتد، شدت چنین وضعیتی نزول معیارهای اخلاقی فرد و نادیده گرفتن معیارهای جمعی و در نهایت تجاوز به حقوق دیگران حتی به صورت آشکار و بصورت باجگیری‌های مختلف است. (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۱۲)

راجرز نیز به مفهوم اعتماد توجه ویژه‌ای دارد. در واقع یکی از عناصر مهم خرده فرهنگ دهقانی که او مطرح می‌سازد، مساله اعتماد است. راجرز عدم اعتماد متقابل، بدگمانی و حيله گری در روابط شخصی را یکی از ویژگی‌های جوامع دهقانی می‌داند و وجود روحیه عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی در میان دهقانان را به مثابه سدی برای سازمان‌های تعاونی و اکثر برنامه‌های توسعه روستایی می‌داند، زیرا معتقد است یکی از پایه‌های اساسی توسعه روستایی بر تعاون و همکاری دهقانان استوار است و فقدان این روحیه به مثابه یکی از دلایل عدم موفقیت بسیاری از برنامه‌های توسعه روستایی در جوامع دهقانی می‌باشد. (همان، ۱۴).

کریستوفر مور با رویکرد روانشناختی به دو مفهوم تضاد و خصومت و اعتماد و همکاری می‌پردازد و در واقع به دنبال این است که دریابد چگونه می‌توان در گروه‌ها یا سازمان‌های اجتماعی اعتماد را جایگزین تضاد کرد. مور تضاد بین گروه‌ها را نتیجه پنج عامل کلی می‌داند که ماهیتی روانشناختی دارد:

- احساسات: منظور مور از این مفهوم، احساسات منفی‌ای است که بین گروه‌ها نسبت به همدیگر وجود دارد.
- وجود تصورات قالبی و باورهای از پیش تعیین شده آنها نسبت بهم.
- عدم اعتماد: بنظر مور یکی از مسائل مهمی که باعث تضاد در یک گروه می‌شود بی‌اعتمادی و عدم اطمینان افراد از همدیگر است.

- مشروعیت: که خود شامل مشروعیت خود افراد، مشروعیت خود نیازهای آنها می‌شود.
- فقدان ارتباطات حاکم بر گروه یا سازمان.

کریستوفر دبلیومور میگوید تنها در صورتی می توان اعتماد را جایگزین تضاد کرد که این موانع وجود نداشته باشند. (همان، صص ۱۵-۱۴).

انسجام اجتماعی^۴

امیل دورکیم از اولین جامعه شناسانی است که مفهوم انسجام و همبستگی اجتماعی را مورد مطالعه قرار داده است و وجود آنرا برای هر جامعه ای لازم می داند.

جاناتان ترنر به نقل از دورکیم می گوید انسجام وقتی رخ می دهد که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند، جاییکه افراد متصل به جماعت، اجتماعی شده باشند، جاییکه کنشها تنظیم شده و به وسیله هنجارها هماهنگ شده اند و جاییکه نابرابریها قانونی تصور می شود (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

بنابراین جوامع مادامیکه جمعیت آنها اندک بوده و جوامعی ساده با باورها و ارزشهای محدود و ساده بودند انسجام در آنها مکانیکی بوده است. اما دورکیم معتقد است جوامع سنتی در روند تکاملی خود تحت تاثیر عواملی، تغییراتی را در خود پذیرا می شوند مهمترین این عوامل از نظر دورکیم پیشرفت تقسیم کار است که باعث تحولی عظیم در این جوامع گشته و در حقیقت بدلیل تقسیم کار است که جامعه سنتی مبتنی بر انسجام مکانیکی به جامعه صنعتی مبتنی بر همبستگی ارگانیکی تبدیل می گردد (همان، ۱۸).

لذا وجود تقسیم کار است که جامعه ای با ماهیتی سنتی را به جامعه ای دگرگون شده و با ماهیتی صنعتی بدل می کند. تقسیم کار هر چه پیچیده تر و تخصصی تر می شود توافق روی دایره های اخلاقی کاهش می یابد و تمایزات بین افراد رشد میکند وفاق حاصل از انسجام مکانیکی جای خود را به وفاق جدیدی می دهد که برخاسته از انسجام ارگانیکی نظم جدید است (همان، ۱۸). اما در این زمینه که چه چیزی تقسیم کار را ایجاد و تشدید می کند دورکیم می گوید «بین تراکم مادی و تراکم اخلاقی پیوند نزدیکی وجود دارد به گونه ای که با افزایش تراکم مادی دورکیم به عناصری چون افزایش تراکم جمعیت، افزایش و تشکیل شهر نشینی، تعداد و سرعت راههای ارتباطی و حمل و نقل اشاره دارد.» دورکیم معتقد است وقتی جامعه ای افزایش یافته متنوع می گردد. رشد افزایش تعاملات افراد به پیچیدگی و تخصصی تر شدن تقسیم کار و تراکم اخلاقی می انجامد و به تعبیر گی روشه از این جریان متحرک عمومی، لاجرم درجه بسیار بالایی از فرهنگ حاصل خواهد شد. و بنا بر این همین شدت روابط است که تمدن را در جوامعی می سازد که انسجامش دیگر از نوع ارگانیکی است. (همان، ۱۸-۱۹).

مشارکت

مفهوم مشارکت قدمتی به درازای تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد که در طول حیات طولانی خود روند تکامل و دگرگونی را پشت سر گذاشته و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی خود تعاریف مختلفی به خود دیده است. کائوتری اعتقاد دارد که مشارکت به قدمت تاریخ بشری پیشینه دارد چرا که نظر و عمل مشارکت در بطن هر جامعه و در مفاهیمی چون دلبستگی؛ اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آنها نهفته است و از قدیم شالوده پیدایش اجتماعی- انسان شناختی نوع بشر تلقی شده است (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۲۸). به نظرهای تعارض بین دیدگاههای عمل گرایانه و

⁴Social Solidarity

دیدگاه‌های عمدتاً فلسفی از مشارکت موجب شده است که مفهوم مشارکت تبدیل به یک مفهوم چند وجهی شود و در طی زمان با معنای متفاوتی هویدا شود. (ازکیا و غفاری؛ ۱۳۸۰، ص ۱۸۳).

به دلیل همین پیچیدگی است که تعریف واحدی از مفهوم مشارکت نمی توان یافت که همه صاحب‌نظران روی آن توافق داشته باشند، لذا تعاریف گوناگونی از مشارکت در حوزه‌های مختلف علوم انسانی وجود دارد که به ذکر تعدادی از آن‌ها مبادرت خواهیم کرد:

سازمان بین المللی کار (O.L.O) مشارکت را سهم افراد یا گروه‌های سازمان یافته و جمعیت فعال، از لحاظ اقتصادی در تسریع اقتصادی و اجتماعی بیان می نماید (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۲۹). همچنین رحمان در تعریف مشارکت می گوید: «مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک چارچوب سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع در صدد دستیابی به اهداف خودشان هستند. در نتیجه، مشارکت فرایندی فعال است که هر یک از مشارکت کنندگان به واسطه اندیشه، تامل و نظارت فعالیتشان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می شوند.» او در بیان مفاهیم کلیدی این تعریف به موارد زیر اشاره می کند:

- مشارکت فعالیت سازمان یافته از طرف مردم متحد و متجانس است که واحد اولیه آنرا متقاعد شدن افراد به کنش جمعی تشکیل می دهد؛

- مبادرت به کنش و عمل جمعی؛

- تفکر و تامل مستقیم نسبت به کارها و فعالیت‌ها؛

- نظارت بر فرایند مشارکت (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۳، صص ۲۹۲-۲۹۱).

یونسکو نیز مشارکت را فرایندی برای خود آموزی اجتماعی و مدنی، حق بشر و پیش شرط توسعه می داند و معتقد است توسعه باید از مردم و از آنچه می خواهد و از آنچه می اندیشند و باور دارند آغاز شود (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۳۰). تعداد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیر دولتی در یک جامعه، شاخص و بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است، تا جایی که جامعه‌ی مدنی به واسطه‌ی بسط و گسترش مشارکت‌های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می شود. نهادهای مدنی، تشکلهایی مردمی و غیر دولتی هستند که در حد فاصل توده‌های مردم با دولت وجود می آیند و بخشی از مردم را برای دست یابی به هدفی مشخص، و در یکی از حوزه‌های اجتماعی سازماندهی می کنند «دامنه فعالیت این نهادها که به منظور مشارکت سازمان یافته‌ی مردم تشکیل می گردند بسیار گسترده است. اتحادیه‌های صنفی، احزاب سیاسی، بنگاه‌های اقتصادی خصوصی، شرکت‌های تعاونی، گروه‌های هنری، مطبوعات، موسسات خیریه و حتی اجتماعات محلی مشتمل بر ساکنان یک خلبان و محله می توانند مثال‌هایی از نهادهای مدنی باشند» (ازکیا، غفاری ۱۳۸۳، ص ۲۹۲).

بنابراین مشارکت اجتماعی را می توان فرایند سازمان یافته‌ی دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص به منظور سهم شدن در منابع قدرت انجام می گیرد. شهود چنین مشارکتی، وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی است (همان، ۲۹۳).

توسعه

در لغت به معنای خروج از «لغاف» گسترش و بهبود است. از کیا بر این باور است که در تعریف توسعه باید توجه داشت که اولاً توسعه را مقوله‌ای ارزشی بدانیم، دوم اینکه آن را فرآیندی پیچیده، غیر خطی و چند بُعدی تصور کنیم و نهایتاً قایل به ارتباط و قرابت آن با مفهوم بهبود باشیم (از کیا، ۱۳۸۴، ص ۲۴). «عظیمی» توسعه را این گونه تعریف می‌کند: «توسعه فرآیندی است که طی آن باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی به صورت بنیادی متحول می‌شوند تا متناسب با ظرفیت‌های شناخته شده‌ی جدید شوند و طی این فرآیند، سطح رفاه جامعه ارتقاء می‌یابد» (عظیمی، ۱۳۸۲، ص ۴۲).

توسعه پایدار روستایی

تغییر و تحولات سریع در طی چند دهه گذشته در کره زمین رخ داد که ناشی از پیشرفت علوم و تکنولوژی و بکارگیری ابزارهای جدید جهت بهره‌گیری از منابع محیط پیرامون بوده است. معضلات زیست محیطی سبب شد تا اولین کنفرانس جهانی در سال ۱۹۷۲ (استکهلم) و به دنبال آن تشکیل کمیته محیط زیست به ریاست برانت لند در سال ۱۹۸۷ و شورای دیگری بوجود آید. یکی از اجلاس مهم در سال ۱۹۹۲ کنفرانس زمین بود که دستور کار ۲۱ و نظریه توسعه پایدار بطور جدید مطرح شد.

توسعه پایدار، جزو جدانشدنی مراقبت‌های زیست محیطی است و بهبود در کیفیت زندگی و حیات بشری، با در نظر داشتن ظرفیت تحمل اکوسیستم می‌باشد و نوعی از توسعه است که بر اساس مساوات بین نسل‌ها، گروه‌ها و گونه‌ها (یعنی انتقال منابع طبیعی مشابه، یا بهبود یافته به نسل‌های آینده که وارث آن هستند می‌باشد. توسعه پایدار، روندی است که به دنبال تحقق یک استاندارد بالاتر زندگی (ولو تفسیری) برای ابنا بشر می‌باشد و این را تشخیص می‌دهد که این امر نباید به اصالت محیط زیست آسیب وارد سازد (فتحی به نقل از دهقانیان، ۱۳۸۹)

از زمانی که پسوند پایداری برای توسعه مطرح شد. دیدگاه‌های تازه‌ای در زمینه توسعه شکل گرفت که در بخش‌هایی به عنوان‌های توسعه پایدار منابع آب، توسعه پایدار کشاورزی، توسعه پایدار جنگل‌ها، شهرها، روستاها،... نام گرفته است.

اهداف توسعه پایدار روستایی

با بررسی متون علمی، توسعه روستایی، توسعه پایدار و توسعه ملی دارای ۶ هدف مشترک می‌باشند که اکثر متخصصین با این مورد اتفاق نظر دارند که عبارتند از: (رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۲، ص ۱۴۶)

۱- تامین نیازهای اساسی

۲- افزایش تولید و کاهش فقر

۳- امنیت غذایی

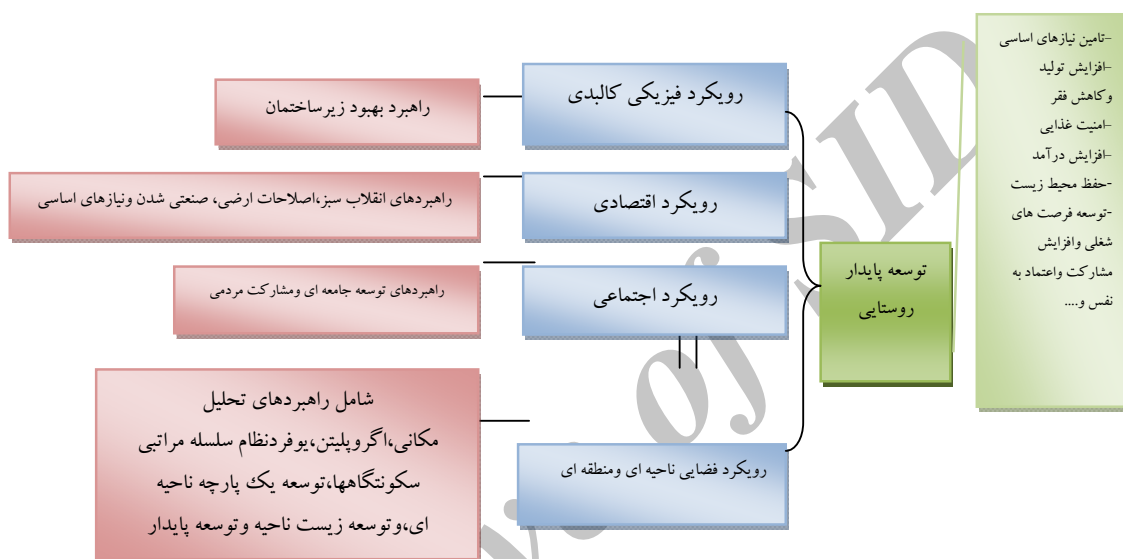
۴- افزایش درآمد

۵- حفظ محیط زیست

۶- توسعه فرصت‌های شغلی و افزایش مشارکت و اعتماد به نفس

در این اهداف خاص توسعه روستایی و توسعه پایدار عبارتند از: امنیت غذایی، افزایش مشارکت، حفظ محیط زیست و کاهش فقر. امروزه این اهداف چهارگانه به عنوان منشور بین المللی درهمه محافل علمی و اجرایی مورد توجه می باشد. یعنی همه کشورها اعم از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به نوعی در برنامه‌های راهبردی خود برای هر یک از این مقوله‌ها و اهداف، برنامه ریزی مشخصی دارند (فتحی و مطلق، ۱۳۸۹).

رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی



کشورها و مناطق مختلف جهان، متناسب با شرایط و اولویت‌ها، رویکردها و استراتژی‌های توسعه روستایی متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. قطعاً نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تجربیات جهانی در این زمینه و با تمرکز صرف بر اشتغال‌زایی در روستاها (بدون در نظر گرفتن استراتژی توسعه روستایی) توفیق چندانی بدست آورد (که پایدار و ماندگار نیز باشد). چون اشتغال‌زایی و کارآفرینی در فضایی مستعد رخ می‌دهد و بدون وجود آن فضا عملاً نمی‌توان متوقع موفقیتی پایدار بود. رویکردها و استراتژی‌های توسعه روستایی را اینگونه می‌توان تقسیم‌بندی نمود (استعلاجی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۲).

الف. رویکردهای فیزیکی-کالبدی:

۱- استراتژی توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی

ب. رویکردهای اقتصادی:

۱- استراتژی انقلاب سبز

۲. استراتژی اصلاحات ارضی

۳. استراتژی صنعتی نمودن روستاها

در این راستا باید اقدامات ذیل صورت پذیرد: (الف) ایجاد مشاغل غیرزراعی و فعالیت‌های درآمدزا، (ب) رواج

مراکز روستایی دست پایین. اهداف عمده این استراتژی را می‌توان اینگونه برشمرد:

- ایجاد اشتغال غیرکشاورزی برای روستاییان بیکار یا نیمه‌بیکار در یک منطقه
 - همیاری در جلوگیری از جریان مهاجرت به مراکز شهری
 - تقویت پایه‌های اقتصادی در مراکز روستایی
 - استفاده کامل (بیشتر) از مهارت‌های موجود در یک ناحیه
 - فرآوری تولیدات کشاورزی محلی
 - تهیه نهاده‌های اساسی و کالاهای مصرفی برای کشاورزان و دیگر افراد محلی
- ج. رویکردهای اجتماعی-فرهنگی:

۱. استراتژی توسعه اجتماعی
 ۲. استراتژی مشارکت مردمی
- محورهای اصلی این استراتژی عبارتند از:
- تاکید بیشتر بر نیازهای مردم
 - تشویق و افزایش مشارکت مردم در هر مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی
 - بسط و ترویج سرمایه‌گذاری‌های کوچک، که مردم قادر به اجرای آن باشند
 - کاهش هزینه‌های مردم و در مقابل افزایش درآمدهای آنان
 - تشویق مردم در جهت تداوم و نگهداری پروژه‌های توسعه (افزایش آگاهی‌های مردم و کاهش زمان و هزینه طرح‌ها و پروژه‌ها)

د. رویکردهای فضایی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای:

۱. استراتژی‌های تحلیل مکانی

والتر کریستالر (۱۹۳۳) بر مبنای نظریات جی.اچ.فون تونن و آلفرد وبر (۱۹۰۹) نظریه "مکان مرکزی" را ارائه نمود که بر اساس میزان جمعیت، نقش و کارکرد، فاصله، پراکندگی سکونتگاه‌های انسانی به شرح و تبیین ساختار (چارچوب) فضایی سکونتگاه‌ها و حوزه نفوذ آنان (و بالتبع سروساماندهی به نحوه چیدمان نقاط شهری و روستایی) می‌پردازد. متخصصان این زمینه با پذیرش علم جغرافیا (به عنوان تحلیل‌گر فضای زیست)، به استفاده از نظریات برجسته دیگر در رابطه با تقسیم‌بندی فضایی-مکانی و ساماندهی فضا نیز مبادرت نمودند. سه نظریه مطرح در این زمینه را می‌توان به طور خلاصه اینگونه معرفی نمود:

- نظریه زمین‌های کشاورزی (جی.اچ.فون تونن)

- نظریه مکان‌یابی صنایع (آلفرد وبر)

- نظریه مکان مرکزی (والتر کریستالر)

۲. استراتژی توسعه روستا-شهری

۳. استراتژی یوفرد

۴. استراتژی نظام سلسله‌مراتبی سکونتگاه‌ها و برنامه‌ریزی مراکز روستایی

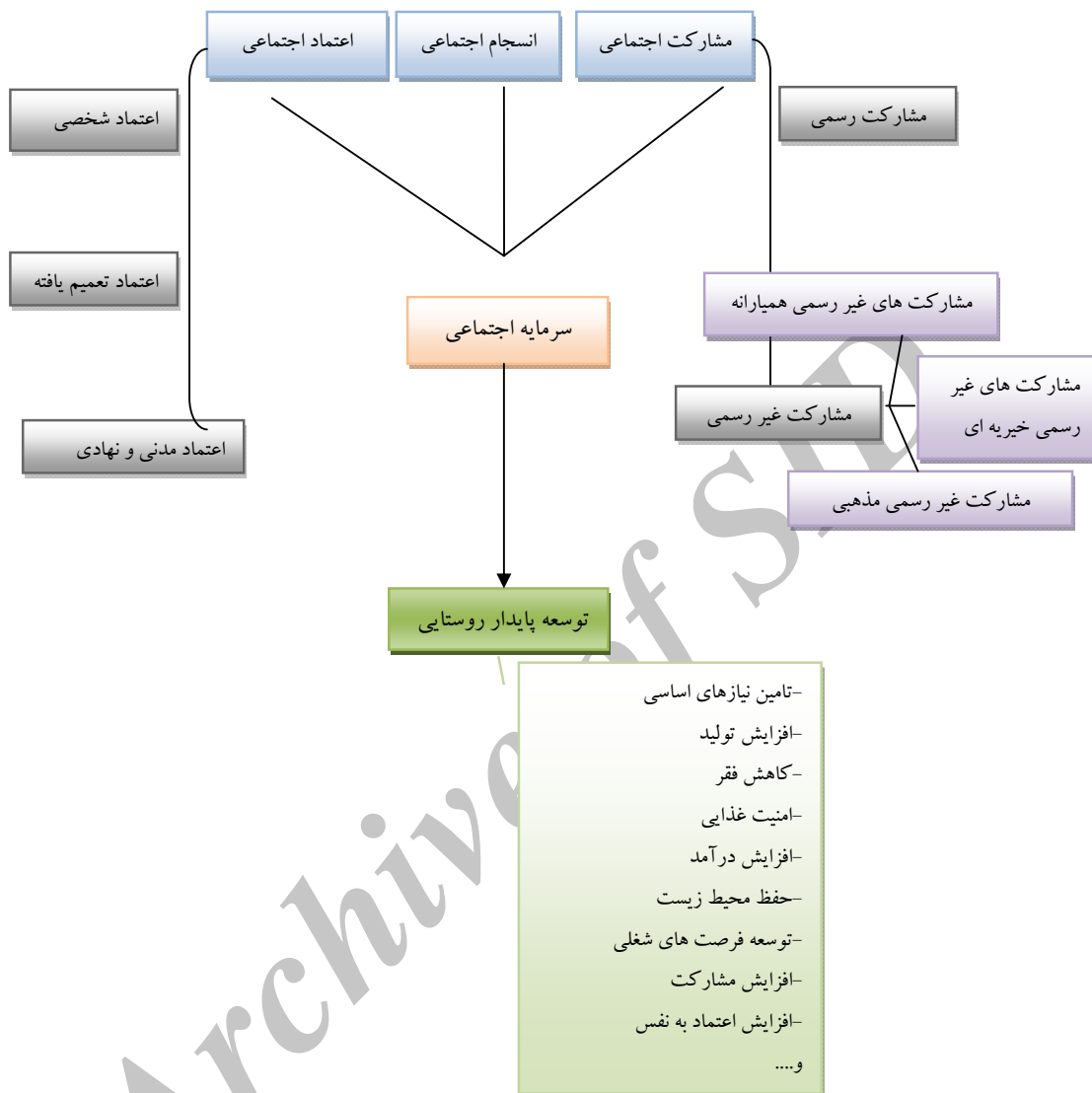
۵. استراتژی توسعه یکپارچه ناحیه‌ای

مهمترین دلایل روی‌آوری به این استراتژی، عبارتند از:

- استفاده بهتر از سرمایه، نیروی انسانی و عوامل تولید
 - استخراج و بکارگیری بهینه منابع محلی
 - مشارکت آزادانه مردم در سطح ناحیه (که کوچکتر از منطقه است)
 - تجانس بیشتر در ناحیه به علت کوچکی نسبت به منطقه
 - همکاری بهتر سازمان‌های مختلف درگیر در امر برنامه‌ریزی
- هدف از این استراتژی یکپارچه‌سازی کلیه امور توسعه در ناحیه است.
۶. استراتژی توسعه زیست-ناحیه (فتحی و مطلق، ۱۳۸۹)

Archive of SID

مدل مفهومی



روش تحقیق

روش پژوهش اسنادی و پیمایشی با هدف تحقیق کاربردی است. جمع آوری داده‌ها کتابخانه ای و میدانی انجام شده است.

جامعه آماری مورد مطالعه نخبگان و دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی متخصص در توسعه روستایی دانشگاه‌های تهران می باشد که با روش نمونه گیری قضاوتی ۶۰ نفر انتخاب و از این تعداد ۵۰ نفر به سوالات مورد نظر پاسخ دادند.

یافته‌های تحقیق

فرضیه ۱- بین اعتماد اجتماعی و توسعه روستایی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۱) ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و توسعه روستایی

متغیر	شاخص‌های آماری	توسعه روستایی
اعتماد اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۳
	سطح معنی داری یک دامنه	۰/۰۰۲
	تعداد	۵۰

بر اساس جدول فوق ضریب همبستگی این دو متغیر $0/53$ و در سطح $0/002$ معنی دار است یعنی رابطه بین دو متغیر فوق مثبت، مستقیم، معنی دار و نسبتاً قوی است یعنی با افزایش و تقویت متغیر وابسته میزان اعتماد اجتماعی متغیر مستقل (توسعه) نیز افزایش و تقویت می یابد در نتیجه فرضیه مورد تایید است. به عبارت دیگر هر چه در افراد نسبت به یکدیگر و نهادهای حکومتی اعتماد بیشتری داشته باشند گام موثر در جهت توسعه روستایی بر خواهند داشت

فرضیه ۲- بین مشارکت اجتماعی و توسعه روستایی رابطه معناداری وجود دارد

جدول شماره (۲) ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین مشارکت اجتماعی و توسعه روستایی

متغیر	شاخصهای آماری	توسعه روستایی
مشارکت اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۷۲
	سطح معنی داری یک دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۵۰

بر اساس فرضیه فوق هر چه مشارکت اجتماعی روستائیان در امور روستا در سطح بالاتر باشد منجر به توسعه روستایی خواهد شد می یابد ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر فوق $0/72$ درصد در سطح $0/000$ درصد معنادار است این رابطه مستقیم می باشد یعنی با افزایش و کاهش متغیر مستقل، متغیر وابسته نیز افزایش و کاهش می یابد. به بیان دیگر افزایش میزان مشارکت روند توسعه روستایی نیز سرعت پیدا خواهد کرد

فرضیه ۳- بین انسجام اجتماعی و توسعه روستایی رابطه معناداری وجود دارد

جدول شماره (۳) ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین انسجام اجتماعی و توسعه روستایی

متغیر	شاخص‌های آماری	توسعه روستایی
انسجام اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۴
	سطح معنی داری یک دامنه	۰/۰۰۰
	تعداد	۵۰

مطابق ارقام مذکور در جدول فوق ضریب همبستگی این دو متغیر $0/64$ و در سطح $0/000$ معنی دار است. براساس فرضیه فوق انسجام اجتماعی بالا در بین روستائیان روند و فرایند توسعه را در روستا سرعت خواهد بخشید رابطه مستقیم معنی دار و قابل قبول است یعنی هر چه در یک روستا افراد به دور از دعوای و نزاعهای روستایی باشند و بین یکدیگر انسجام داشته باشند و درک اجتماعی بالایی نسبت به هم داشته باشند باعث توسعه یافتگی روستایی خواهد شد می شود.

فرضیه ۴- بین سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی رابطه معناداری وجود دارد

جدول شماره (۴) ضریب همبستگی پیرسون رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی

متغیر	شاخص‌های آماری	توسعه روستایی
سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۷
	سطح معنی داری یک دامنه	۰/۰۰۳
	تعداد	۵۰

. ضریب پیرسون (۰/۶۷) مؤید این واقعیت است که رابطه مستقیم و معنی دار بین سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی وجود دارد یعنی احساس مسئولیت پذیری، مشارکت در اداره امور روستایی، پی گیری امور روستایی، تعهد اجتماعی متقابل و انسجام اجتماعی در بین روستائیان بیشتر باشد به روند توسعه یافتگی نیز سرعت خواهد بخشید

نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر یکی از مهم ترین متغیرهای تبیین کننده سطح توسعه و رفاه جوامع و توسعه محلی در سطوح گوناگون بوده و مورد توجه خاص سیاست گذاران و برنامه ریزان بوده است. به زعم پاتنام منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها معمولاً خود تقویت کننده و خود افزایش دهنده هستند دور باز تولید کننده فضایل، به تعادل جمعی منجر می شود. برعکس، فقدان این ویژگی‌ها در جوامع غیر مدنی نیز خصالتی خود تقویت کننده دارد. عهد شکنی، بی اعتمادی، فریب و حيله، بهره کشی، انزوا، بی نظمی و رکود یکدیگر را در یک جو خفقان آور دوره‌های باطل تشدید می کنند. پاتنام در بحث تقدم و تاخر سه عامل مذکور که منابع سرمایه اجتماعی را می سازد معتقد است «اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت آمیز متقابلاً یکدیگر را تقویت می کنند. وجود نهادهای همکاری جویانه کارآمد مستلزم مهارت‌ها اعتماد بین اشخاص می باشد اما آن مهارت‌ها و این اعتماد نیز به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان یافته تلقین و تقویت می شوند. هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی به رفاه اقتصادی- اجتماعی کمک می نمایند و به نوبه خود نیز توسط این رفاه تقویت می شوند» (پاتنام، ۱۳۸۰، ص ۳۶۰۹).

سرمایه اجتماعی مجموعه ای است از رفتارهای مثبت در تعاملات انسان‌هاست که باعث ایجاد شبکه‌های روابط اجتماعی بین افراد می شود. به عبارتی سرمایه اجتماعی زمانی بوجود می آید که یک نوع شبکه روابط داد و ستد اجتماعی در بین افراد، گروه‌ها و حتی در بین سطوح‌های عمودی نیز ایجاد شود. در این نوع روابط عناصری همچون تعهد، تجانس، هویت فردی، گروهی، قومی، ملیتی، نژادی، جنسیتی و ... به راحتی ایجاد شده و اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی بصورت تعمیم یافته ای در جامعه ایجاد می گردد.

سه مولفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی که در یک رابطه متقابل قرار دارند که هر کدام تقویت کننده دیگری اند از مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می شوند. آنتونی گیدنز، اعتماد و تاثیر آن‌ها بر فرایند توسعه را زیر بنا و زمینه ساز اصلی در جوامع مدرن می داند به طوری که هر جا که سطح اعتماد اجتماعی بالا باشد مشارکت و همیاری مردم در عرصه‌های اجتماعی بیشتر و آسیب‌های اجتماعی کمتر است. جانان‌تان ترنر به نقل

از دورکیم می گوید انسجام وقتی رخ می دهد که عواطف افراد بوسیله ی نمادهای فرهنگی تنظیم شوند، جائیکه افراد متصل به جماعت اجتماعی شده باشند، جائیکه کنش ها تنظیم شده و بوسیله هنجارها هماهنگ شده اند و جایی که نابرابری ها قانونی تصور می شود. مشارکت اجتماعی را می توان فرایند سازمان یافته ای دانست که از سوی افراد جامعه بصورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی با در نظر داشتن هدف های معین و مشخص به منظور سهم شدن در منابع قدرت انجام می گیرد. نمود چنین مشارکتی، وجود نهادهای مشارکتی چون انجمن ها، گروه ها سازمان های محلی و غیر دولتی است.

توسعه روستایی فرایندی چند بعدی است که موضوع آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب پذیر اجتماعی روستایی است. فرایندی که با بهره گیری از ساز و کارهایی چون برنامه ریزی، سازماندهی، تقویت خود اتکایی فردی و جمعی دگرگونی مناسب در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستاییان تلاش می کند که در آنها قدرت، توان و اختیار بهره گیری از قابلیت ها و منابع در اختیارشان را تقویت کند تا به واسطه آن بتوانند وضعیت موجودشان را به وضعیت مناسب و مطلوب تر تغییر دهند. تحقق چنین توسعه ای نیازمند دگرگونی در ساختارهای نهادی، شخصیتی و ارزشی است که منجر به تغییرات اساسی و ساختار اجتماعی و ویژگی های شخصیتی روستاییان می شود. برآیند و پیامد آن باید پاسخگویی به نیازهای اساسی روستاییان، ارتقای کیفیت زندگی و تقویت اتکا به نفس و آزادی انتخاب و عاملیت روستاییان باشد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۲، صص ۲۳-۲۲).

یافته های تحقیق حاضر نیز نشان داد رابطه بین سرمایه اجتماعی و توسعه روستایی مورد تایید است ($r=0/68$) مشارکت اجتماعی محلی برای حل مسائل مشترک بافرایند دموکراتیک و به پشتوانه انتقال تکنولوژی مناسب، جوهره اصلی این دیدگاه است. در این دوران تصور بر این بود که بدون دگرگونی های انقلابی و ساختاری در نظام اقتصادی و سیاسی نیز می توان با تاکید بر خود یاری مردم، موجبات رفاه و توسعه روستایی رافراهم ساخت. اما این الگو که در ابتدا به جنبش دموکراتیک و مردمی برای توسعه روستایی مبدل شده بود، فقط در برخی از کشورها و برای مدتی محدود، موثر واقع شد. حتی در هند که مهد اولیه آن بود و گسترش وسیعی یافت، دولت قادر به بسیج و تجهیز امکانات هماهنگ با برنامه های ازپایین به بالا نبود و ساختار اداری آن نیز متناسب با بسط و شیوه های عمل نهادهای مشارکتی، تحول نیافت. در برخی کشورها که این الگو تا حدی به توفیق قرین بود، به دلیل وا همه از کنترل جنبش های مردمی، از آن صرف نظر شد و در بسیاری از کشورها نیز به دلیل عدم تحول در ساختار قدرت، اجرای این الگو موجب پیدایش نخبگان محلی گردید که خود مانعی برای تعمیق جنبه های دموکراتیک این دیدگاه بود. به هرحال این تجربه گرچه دستاوردهای ارزشمندی برای توسعه روستایی در برخی از کشورهای جهان داشت، ولی بیش از هدف های اجتماعی و اقتصادی در تحقق هدف های سیاسی روستایی تا حدودی موثر بود. یکی از ویژگی های بارز الگوی مذکور، توجه اساسی به مشارکت بود، که بعدها کماکان به عنوان راهبرد اساسی برای توسعه روستایی تلقی گردید و الگوهای متعددی بر این مبنای تجربه شد در این تحقیق نیز ضریب همبستگی پیرسون رابطه مشارکت و توسعه روستایی ۰/۷۲ بدست آمد.

مقوله مشارکت در دیدگاه های توسعه روستایی هم به منزله هدف و هم به عنوان وسیله مورد توجه بوده و عملاً نیز در توسعه مشارکتی دیدگاه های متفاوتی تاکنون ارائه و تجربه شده که دستاوردهای متمایزی داشته است. مساله اساسی

در اجرای دیدگاه‌های توسعه مشارکتی، موانع ساختاری برای تحقق مشارکت واقعی است که به تعبیری عمدتاً با شبیه سازی مشارکت همراه بود و به ظاهر سخن از مشارکت است، ولی کماکان تصمیمات واقعی به عهده غیر روستاییان و یا نخبگان روستایی بود.

یکی دیگر از دیدگاه‌های متاخر برای توسعه روستایی که با ارزیابی ناکامی‌های توسعه صرفاً اقتصادی، زمینه بروز یافته، رهیافت نیازهای اساسی است، که توسط نظریه سازمان نهادهای وابسته به سازمان ملل ارائه شده و مورد حمایت کشورهای پیشرفته برای کمک رسانی به کشورهای توسعه نیافته بوده است. در این دیدگاه توجه اساسی معطوف به فقرزدایی و اشتغال زایی از یک سو و تاکید توأمان بر تولید و توزیع بهتر از سودیگر است. این دیدگاه کما بیش بر اساس نتایج اجلاس‌های متعدد جهانی در زمینه غذا، گرسنگی، اشتغال، و... جمع بندی شده و منشاء اجرای طرح‌های متعددی برای توسعه روستایی در کشورهای توسعه نیافته بوده است. این تجربه نیز گرچه در برخی از کشورها موجب بهبود نسبی کیفیت زندگی روستاییان گردیده، ولی تاثیر چشمگیری در نابودی فقر روستایی نداشته است. (فتیحی و مطلق، ۱۳۸۹)

منابع

- آریان پور، لیلا (۱۳۸۷) "تبیین نقش سازمان‌های غیردولتی جوانان به عنوان حاملان اصلی سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی" دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم/شماره سوم/ پاییز ۸۷
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳): توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران.
- ازکیا، مصطفی و علی ایمانی (۱۳۸۷) توسعه پایدار روستایی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴). مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات.
- استعلاجی، علیرضا، بررسی و تحلیل رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی-ناحیه‌ای، نشریه جهاد، سال ۲۲، شماره ۲۵۰- ۲۵۱، خرداد و تیر و مرداد ۱۳۸۱
- افتخاری، عبدالرضا رکن الدین. (۱۳۸۲)، جایگاه توسعه در فرایند توسعه ملی، انتشارات موسسه توسعه روستایی ایران، تهران.
- بورديو، پیر (۱۳۸۱). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نشر نقش و نگار
- شویره، کریستین و فونتن، اولیویه (۱۳۸۵). واژگان بورديو. ترجمه مرتضی کتبی. تهران: نشر نی
- شارع پور، محمود (۱۳۷۹): نقد و بررسی کتاب پایان نظم، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره مهر و آبان.
- اکبری، امین (۱۳۸۳): نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت: بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی - اجتماعی (مطالعه موردی روستای فارسنج از توابع سفز) دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴): سرمایه اجتماعی، ثروت و نامرئی، نشریه حیات نو اقتصادی.
- شاه حسینی، ماهرو (۱۳۸۱): مطالعه و بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی در عملکرد انجمن‌های اعتبار گردش زنان در تهران، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات).
- جمعه پور، محمود (۱۳۸۴) مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی، دیدگاه‌ها و روش‌ها، تهران: انتشارات سمت
- رضوی، حسن و همکاران، (۱۳۷۷). فقر، روستا، توسعه، تهران: انتشارات وزارت جهاد سازندگی

فتحی، سروش و مطلق، معصومه (۱۳۸۹) نقش فن آوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، فصلنامه علمی و پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم بهار ۱۳۸۹

فدوی، جمیله (۱۳۸۶). بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

فیروز آبادی (۱۳۸۴): بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل گیری آن در شهر تهران، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

قاسمی و همکاران (۱۳۸۹) بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی بر توسعه اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال دوم/شماره دوم/بهار ۱۳۸۹

طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹) صنعتی شدن روستا، سنگ بنای استراتژی آینده توابع روستایی، تهران: اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره برداری جهاد کشاورزی، چاپ اول

عظیمی، حسین (۱۳۷۳). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی،

عظیمی، حسین (۱۳۸۲). ایران امروز در آینه‌ی مباحث توسعه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

عمادی، محمد حسین (۱۳۷۸) چالش‌ها و راهبردهای ارتقای بهره‌وری در صنایع روستایی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش صنایع روستایی، تهران: اداره کل طرح‌های صنعتی و بهره‌برداری جهاد کشاورزی

لش، اسکات (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی پست مدرنیسم. ترجمه شاپور بهیان. تهران: نشر ققنوس

میسرا، (۱۳۷۱). گزینه‌های توسعه روستایی، ترجمه علی اکبر، جهاد سازندگی.

صیری، حسین (۱۳۷۹). توسعه پایدار چشم انداز جهان سوم، تهران: فرهنگ و اندیشه

نوابخش، مهرداد و فدوی، جمیله (۱۳۸۷). بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۷

واکوانت، لوئیگ، استونز، راب (۱۳۸۳). پیر بوردیو. متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه مهدی میردامادی. تهران: نشر مرکز،

Anheier, Helmut K; Gerhards, Jurgen; Romo, Frank P. 1995. "Forms of capital and social structure in cultural fields: Examining Bourdieu's social topography". The American Journal of Sociology; Jan 1995; 100, 4; ProQuest Social Science Journals, pg. 859

Bourdieu, Pieere (1984). "Distinction", translated by Richard Nice, London: Routledge.

Bourdieu, Pieere (1986). "Forms of capital" in Handbook of theory and research for the sociology of education, edited by John G. Richardson. New York/N. Y, London: Greenwood, pg. 241-258

Bourdieu, Pieere (1998). "Practical reasons: on the theory of action", Cambridge: Polity Press.

Richards Jeremy P. sustainable development and the minerals industry, department of earth and atmospheric sciences, university of Alberta, (publicized in the society of economic geologists newsletter, January 2002)